

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [ایران وایر](#)]

[تاریخ: ۲۰ فروردین ۱۳۹۵]

از مادران خاوران تا مادران اوین

یک شنبه نهم اسفند ماه سال گذشته هنگامی که «پیمان کوشک باغی» به همراه فرزند خردسالش «بشیر» به ملاقات همسرش «آریتا رفیع‌زاده» - که از آبان ماه سال گذشته در حال گذراندن دوران چهار سال حبس خود در زندان «اوین بود»- رفت، توسط سه مامور لباس شخصی بازداشت و برای اجرای حکم پنج سال حبس به زندان منتقل شد. آریتا و پیمان هر دو از اساتید «موسسه عالی آموزشی بهائیان» بودند که در خرداد ماه ۱۳۹۰ دستگیر و به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در موسسه آموزشی - علمی بهائیان برای بازجویی به دادرسی اوین فراخوانده شدند.

آن‌ها اردیبهشت ۱۳۹۴ از سوی شعبه ۲۸ «دادگاه انقلاب» به ریاست قاضی «مقیسه»، به اتهام «عضویت در تشکیلات غیرقانونی بهائیت با هدف اقدام علیه امنیت کشور از طریق فعالیت غیرقانونی در موسسه آموزشی (BIHE)» به تحمل چهار سال حبس (آریتا) و پنج سال حبس تعزیری (پیمان) محکوم شدند. حکم بدوی در مهر ماه سال ۱۳۹۴ در دادگاه تجدید نظر تایید شد.

پیش‌تر آریتا رفیع‌زاده از نگرانی خود پیرامون وضعیت سرپرستی کودک خردسالش در صورت اجرای هم‌زمان حکم خود و همسرش گفته بود: «بشیر پنج سال و ۹ ماه دارد. رفتیم پیش آقای "خدابخشی"، معاون دادستان و گفتیم پسر ما سرپرستی جز من و پدرش ندارد. خواستیم کاری کند که حکم ما با هم اجرا نشود.»

این درخواست اما به نتیجه نمی‌رسد و هر دو راهی زندان می‌شوند.

اردیبهشت سال ۹۴ «نرگس محمدی»، فعال حقوق بشر و سخن‌گوی «کانون مدافعان حقوق بشر» در منزلش بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. با توجه به این که «نقی رحمانی»، همسر نرگس محمدی اسفند ماه سال ۹۰ مجبور به خروج از کشور شده بود، مساله سرپرستی کودکان نرگس مطرح شد که در نهایت به خروج این دو فرزند از کشور برای پیوستن به پدر انجامید.

در قوانین ایران مقررات خاصی در خصوص امکان تعویق مجازات یکی از والدین در صورت هم‌زمانی مجازات‌ها پیش‌بینی نشده است. با این حال، برخی از مواد قانون «آیین دادرسی کیفری» امکان تعویق مجازات مادر را در برخی از شرایط پیش‌بینی کرده است؛ مانند ماده ۵۰۱.

بر اساس این ماده، در مواردی چون دوران بارداری، دوران شیردهی و یا دوران پس از زایمان، قاضی می‌تواند حکم زندان زن را به تعویق اندازد. مردادماه سال گذشته نرگس محمدی با نگارش نامه‌ای از درون زندان، به وضعیت مادران زندانی پرداخته و از رنج‌هایی که آن‌ها می‌برند، سخن گفته بود.

در پی انتشار این نامه، جمعی از فعالان مدنی، سیاسی و فرهنگی با راه‌اندازی کارزار «تحت عنوان «کمپین حمایت از مادران زندانی»، به حمایت از این مادران برخاستند. هر چند که در صفحه فیس‌بوک کمپین تاکنون بیش‌تر در مورد مادران زندانی بند زنان اوین اطلاع‌رسانی شده است.

سرنوشت مادران اوین چون «مادران خاوران» نیست ولی روزگارشان بهتر هم نیست. مادران خاوران گروهی از زنان ایرانی هستند که در ماجرای اعدام گسترده فعالان سیاسی در تابستان سال ۶۷ فرزندان و برخی بستگان خویش را از دست دادند و تاکنون به روش های مدنی به اعتراض های خویش علیه عوامل این اعدام ها و جمهوری اسلامی ادامه داده اند.

«شیمای بهروش»، نام مستعار یکی از گردانندگان کمپین حمایت از مادران زندانی است. او در گفت و گو با «ایران‌وایر» با تاکید بر این که کمپین برای حمایت از زندانیان عقیدتی - سیاسی نیست هر چند که شاید فشار بیش تری بر روی زندانیان عقیدتی - سیاسی باشد، می گوید: «در حال حاضر در بند زنان زندان اوین ۲۳ زندانی زن وجود دارد که ۱۳ تن از آن ها مادر هستند شامل "مهوش شهریاری"، "فریبا کمال آبادی"، "نرگس محمدی"، "قاران حسامی"، "آریتا رفیعی زاده"، "فاطمه مثنی"، "مریم اکبری منفرد"، "الهام برمکی"، "زیبا پورحبیب"، "فهیمه اعرفی"، "صدیقه مراد"، "زهرا زهتابچی" و "الهام فراهانی". این افراد صرفاً به خاطر ابراز عقیده (مانند بهاییان و یا اعضای عرفان حلقه) و یا فعالیت مسالمت آمیز خود در زندان به سر می برند.»

به گفته او، این کمپین به واسطه نامه و خواست نرگس محمدی در اوایل مرداد ماه سال گذشته شکل گرفت: «تلاش کمپین آن است که وضعیت زندانیان زن مادر را، چه زندانیان سیاسی و چه زندانیان عادی، بهتر کند. در جوامع قانون مدار برای مادران زندانی یک سری تسهیلات و امکانات در نظر گرفته شده است؛ برای نمونه، در برخی از موارد به جای حکم حبس، اقدامات تنبیهی دیگری برای مادران در نظر گرفته می شود یا مهد کودک هایی در نزدیکی زندان ساخته می شود تا مادران بتوانند در ساعاتی از روز در آن جا حضور داشته باشند و از لحاظ عاطفی با فرزندانشان ارتباط برقرار کنند. اما متأسفانه نه تنها در قوانین ما چنین اقداماتی پیش بینی نشده بلکه در بسیاری از موارد از حس مادر بودن زندانی به عنوان یک حربه فشار استفاده می شود؛ مثلاً تا اوایل تابستان سال گذشته فرزندان زیر ۱۸ سال هر هفته می توانستند نیم ساعت ملاقات حضوری با مادرانشان داشته باشند اما از آن موقع تا مهر ماه ۹۴ بدون هیچ توجیه قانونی و صرفاً برای فشار بر مادران زندانی، ملاقات ها تبدیل شدند به دو هفته یک بار. از مهر ماه تا بهمن ماه ملاقات به ماهی یک بار تغییر پیدا کرد و از بهمن ماه تاکنون نیز هر چند دوباره به همان روند هفته ای یک بار برگشته است اما ملاقات ها یک شنبه ظهرها تعیین شده است که بچه ها در مدرسه هستند.»

نبود تلفن در بند زنان اوین هم یک مشکل دیگر است: «نبود تلفن فشار زیادی بر مادران وارد می کند. فکر کنید مادری که فرزندی چهار ساله دارد، تا یک یا دو هفته نمی تواند هیچ خبری از فرزندش داشته باشد. اگر این مادر یک دفعه دلشوره مادرانه بگیرد و یا خواب بدی در مورد فرزندش ببیند و احساس کند که اتفاق بدی برای فرزندش رخ داده است، هیچ کاری نمی تواند بکند تا کمی آرام شود و فقط باید تا وقت ملاقات بعدی منتظر بماند.»

در این میان، مادرانی چون مهوش شهریاری، فریبا کمال آبادی و یا الهام برمکی وضع متفاوتی دارند؛ فرزندان آن ها در خارج از کشور به سر می برند و در نتیجه امکان ملاقات حضوری با فرزندانشان را هم ندارند: «به این مادران شاید هر چند ماه یک بار اجازه تلفن زدن داده شود.»

شیمای با بیان این که کوچک ترین اعتراضی نسبت به وضعیت مادران می تواند باعث اعمال محدودیت بیش تر در ملاقات شان شود، می گوید: «وقتی مریم اکبری درمورد وضعیتش به "احمد شهید"، گزارش گر ویژه سازمان ملل نامه نوشت، در ملاقات بعدی با فرزندش، وقتی وی را برای ملاقات بردند و حتی از دور هم فرزندش را دید، به او گفتند ملاقاتش کنسل شده است. این یعنی نهایت فشار به یک مادر که تو حتی فرزندت را هم از دور ببینی ولی نتوانی از نزدیک ملاقاتش کنی.»

این تجربه های تلخ بارها برای دیگر زنان زندانی تکرار شده است. آن ها مادران زندان هستند؛ همراهان مادران خاوران.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]